



مدیریت معمول برای نظام و انقلاب جواب نمی‌دهد

ساعت ۸ یا ۹ صبح تا ۱ و ۲ بعد از ظهر در یک وزارتخانه و مجموعه‌ای، کشور را اداره کنند که کشور این‌طور اداره نشد و این مشکلات برای مردم به وجود آمد. مقام معظم رهبری تحت عنوان «بازسازی انقلابی ساختار فرهنگ»، دستور دادند باید فرهنگ مدیریت عوض شود؛ یعنی باید مدیریت، به «مدیریت جهادی» تغییر کند.

نیست و برای این نظام و انقلاب جواب نمی‌دهد. بخشی از مشکلاتی که امروز با آن مواجه هستیم مربوط به مدیریت‌های گذشته است. این‌هایی که در گذشته مدیر بودند، افراد فاسد نبودند، مردمان مغرض و دشمن نبودند، اما می‌خواستند کشور را به‌طور طبیعی اداره کنند و با امکانات موجود و برنامه‌ی روزمره

« دو نوع مدیریت داریم، یک مدیریت آن است که آقای مدیر در رأس یک مجموعه قرار می‌گیرد و بر حسب امکانات موجود، ابزار، وسایل، سرمایه‌ها، موجودی و امکانات مدیریت، شروع می‌کند و این امکانات را مدیریت می‌کند و با نیروی انسانی زیرمجموعه‌ی خودش، کشور را اداره می‌کند. این مدیریت روزمره و معمول است اما انقلابی

مصادق عینی مدیریت جهادی

« دیروز شاهد صحنه‌ای بودم که در واقع یک الگوی کامل مدیریت جهادی انقلابی را به‌عنوان یک جریان فرهنگی به ما نشان می‌داد.

.....ادامه مطلب صفحه ۶

مدیریت انقلابی، «مدیریت جهادی» است

« در نخستین ملاقاتی که رهبری با دولت سیزدهم داشتند، نکاتی را بیان فرمودند که در حقیقت راهبردهای کلیدی برای حرکت در این نظام و انقلاب است.

.....ادامه مطلب صفحه ۵

مسئولیت ما در برابر همسایگان

« سلسله‌ای از مسائل بین ما و همسایگان در این ارتباط واقع شده که از نظر اسلام و شریعت حکم حرمت و برخی از مسائل حکم وجوب دارد.

.....ادامه مطلب صفحه ۲

محمدجعفر اختلاف حساب یا مسأله‌ای داشته‌اید؟ تا اسم حاج محمدجعفر را شنید یک آهی کشید و گفت خدایا داد من را از او بگیر که من را بیچاره کرد.

مرحوم میرزا فرمود مگر چه شده‌است؟ قصاب گفت رفیقی در موصل داشتیم که شغل او گوسفندداری بود، از او گوسفند می‌خریدم و در سامرا قصابی می‌کردم، با هم رابطه‌ی معاملاتی داشتیم تا اینکه دوستی ما بالا گرفت و از دختر من برای پسرش خواستگاری کرد و مقدمات ازدواج مهیا شد و در آخر فکر کرد در مورد من یک تحقیقی کند؛ لذا پیش حاج محمدجعفر آمد و از او پرسید این همسایه‌ی شما چطور خانواده‌ای هستند؟ حاج محمد جعفر گفت نمی‌دانم! اما نه یک نمی‌دانم عادی، یک نمی‌دانم معناداری گفت که از هزار تا می‌دانم بدتر بود. حاج محمدجعفر از این دختر برای پسر خودش خواستگاری کرده‌بود و ما قبول نکرده‌بودیم و او از دست ما ناراحت بود؛ وقتی رفیق من از او سوال کرد فقط یک کلمه گفت نمی‌دانم، هیچ بدگویی‌ای هم نکرد، اما یک نمی‌دانمی گفت که رفیق ما را نسبت به این ازدواج مردّد و منصرف کرد و به موصل برگشت و رفاقت و معاملات ما به هم خورد.

۱. خطبه‌های نماز جمعه مشهد مقدس، ۵ شهریورماه ۱۴۰۰

۲. هارون، عن ابن زیاد، عن جعفر، عن أبيه عليه السلام أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال «ثلاثة هن أم الفواق: سلطان إن أحسنن إليه لم يشكر، وإن أسأت إليه لم يغير، وجر عينه ترعاك وقلبه ينعاك، إن رأى حسنةً دفنها ولم يفسها وإن رأى سيئةً أظهرها وأذاعها، وزوجة إن شهدت لم تفر عينك بها وإن غبت لم تظمن إليها» (بحار الأنوار؛ علامة مجلسي؛ جلد ۷۱؛ صفحه ۱۵۱)

۳. این جریان را یک نفر که شخصاً از مرحوم آیت‌الله حاج سیدعبداله‌ادی شیرازی شنیده بود نقل می‌کرد که مرحوم آیت الله حاج سید عبدالهادی شیرازی (اعلی الله مقامه الشریف) از میرزای بزرگ نقل کردند.

۴. برهوت، منطقه‌ی سوزان و بیابانی خشک در حضرموت در کشور عربی یمن واقع است. در روایات، ذکری از این منطقه به میان آمده و حتی می‌فرمایند که: در عالم برزخ، ارواح کفار و منافقین در آنجا معذب می‌شوند، همان طور که ارواح مؤمنین، در وادی السلام نجف اشرف در جوار و همسایگی امیر مؤمنان (علیه‌السلام) متنعم و در شادی و خوشی قرار می‌گیرند. (سرچشمه حیات؛ محمد امینی گلستانی؛ صفحه ۳۶۳)

او بپرسند جواب می‌دهد. حاج محمدجعفر مرد مومنی بوده است روح او در وادی السلام است و روح او را احضار کن و از او سوال کن که نشانی امانت تو کجاست؟

آن مرد هم براساس دستور مرحوم میرزا آن عمل را انجام داد و هرچه فریاد زد حاج محمد جعفر کسی حاضر نشد؛ ناامید خدمت مرحوم میرزا برگشت و گفت من عمل را انجام دادم ولی کسی حاضر نشد. مرحوم میرزا خیلی ناراحت شد و گفت: محال است کسی این عمل را انجام دهد و روح مومن برای او حاضر نشود، نکند این حاج محمدجعفر اصلاً در وادی السلام نیست و او را جای دیگری برده‌اند!

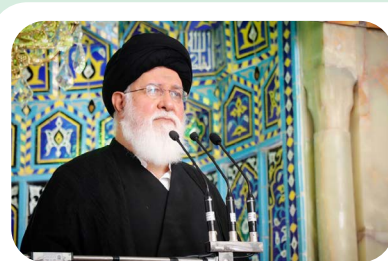
ارواح منافقین، کفار و معصیت‌کاران در وادی برهوت^۴ است ولی ارواح مومنین در وادی السلام است. فرمودند: می‌توانی به وادی برهوت سفر کنی و در آنجا اعمال را انجام دهی؟ گفت: چاره‌ای ندارم و چون تمام هستی و سرمایه‌ام بوده است، هر جای دنیا که بگوئید من می‌روم. به وادی برهوت رفت و آن اعمال را انجام داد و فریاد زد حاج محمد جعفر؛ یکباره از گوشه‌ی بیابان صدای زوزه‌ای شنید و یک سیاهی ظاهر شد، دید یک نفری را به زنجیر کشیده‌اند و دارند می‌آیند، جلو آمد و به صورتش نگاه کرد، دید همان حاج محمد جعفر است. گفت حاج محمد جعفر شما که امین مرجع تقلید شیعیان و اهل اعمال خیر بودید چطور اینطور گرفتار شدید؟! گفت اولاً آدرس پول تو فلان جاست، آدرس را به بچه‌هایم بده و پولت را بگیر اما امان از مرد قصاب. همین را گفت و او را بردند.

این تاجر اول ضعف کرد و از حال رفت و دوباره به حال آمد و خدمت مرحوم میرزا برگشت و موضوع را گفت و بعد به فرزند حاج محمد جعفر آدرس را گفت و پولش را به او دادند. مرحوم میرزا فرمودند جستجو کنید که آیا مرد قصابی با حاج محمدجعفر دوستی و ارتباط داشته یا کسی با او معامله داشته‌است؟ گفتند خیر! فقط یک مرد قصاب همسایه‌ی ما است و آن هم هیچ ارتباط معاملاتی با ایشان نداشته‌است. مرحوم میرزا فرمودند آن قصاب را آوردند و از او پرسیدند آیا شما با این حاج



سرمایه‌ی نقدینه‌ی خود را امانت گذاریم. مرحوم میرزای شیرازی فرمودند من در این دستگاه نمی‌توانم امانت شما را حفظ کنم اما شما را به فردی که امین ما است و همه‌ی ارتباطات دفتر ما با او است معرفی می‌کنم تا نزد او به امانت گذارید؛ آقای از کسبه‌ی سامرا به نام مرحوم حاج محمدجعفر به وسیله‌ی میرزای شیرازی به آنان معرفی شد و این تجار نقدینه‌ی خودشان را پیش او به امانت گذاشتند؛ او هم به آن‌ها نشانی داد که من امانت شما را کجا می‌گذارم تا اگر برگشتید و من مرده بودم به فرزندان من نشانی امانت خودتان را بدهید و تحویل بگیرید. به همه‌ی آن‌ها نشانی داد ولی به یکی از اینها فراموش کرد نشانی دهد یا اشتباه شد. این تجار که از مکّه برگشتند حاج محمدجعفر فوت کرده‌بود و بر اساس نشانی‌هایی که به ورثه دادند امانت خود را تحویل گرفتند اما این فرد که آدرس نگرفته‌بود دچار مشکل شد و هرچه گشتند امانت او را پیدا نکردند. خدمت میرزای شیرازی رسید و موضوع را شرح داد و گفت چه کار کنیم؟

مرحوم میرزا به او فرمودند: من یک عمل به تو می‌آموزم این عمل را در وادی السلام نجف انجام بده که وادی السلام مرکز تجمع ارواح مومنین است، اگر مومنی روحش را بخواهند احضار کنند و این عمل را در وادی السلام نجف انجام دهند، روح او حاضر می‌شود و هر سوالی از



السلام. اللهم هذه بيعة له في اعناقنا الى يوم القيامة. عبادالله؛ اوصيكم و اوصى نفسي بتقوى الله همهى شما برادران و خواهران و خودم را به تقواى الهى سفارش مى‌کنم.



سعی می‌کند دیگران از این کار خوب تو باخبر نشوند اما اگر از تو کار بدی ببیند آن را ترویج می‌کند و بین دیگران نشر می‌دهد که دیگران تو را بدکاره فرض کنند.

این از چیزهایی است که انسان را در زندگی مستأصل و بیچاره می‌کند.

برادران و خواهران! گاهی با همه‌ی دیانت و رعایت تمام واجبات و محرمات شرعی، یک حرکت کوچک در جریان همسایگی انسان را آن‌چنان بدبخت می‌کند که تمام این کارهای خوب و اعمال مستحبی که انجام داده است بی ارزش می‌شود.

نقل می‌کنند^۳ زمان مرحوم میرزای شیرازی صاحب فتوای تحریم تنباکو- عده‌ای از تجار شیراز عازم حج شدند و در مسیر حج برای زیارت عتبات عالیات به عراق آمدند و در سامرا هم خدمت مرجع تقلیدشان مرحوم آیت‌الله العظمی میرزای شیرازی رسیدند و عرض کردند سرمایه و نقدینگی ما همراه ماست و بردن این نقدینه به مکّه و برگرداندن آن -در حالی که خطراتی ممکن است متوجه ما شود- برای ما سنگین است؛ هیچ کجا هم امن‌تر از محضر مقدس شما نیست که ما

و التحيات زنة عرش الله و مداد كلماته و منتهى رضاه و عدد ما احصاه كتابه و احاط به علمه. اللهم انا نجدد له في هذا اليوم و في كل يوم عهداً و عقداً و بيعة له في رقابنا. اللهم كما شرّفنا بهذا التشریف و فضلنا بهذه الفضيلة و خصصتنا بهذه النعمة و صل على مولانا و سيدنا صاحب الزمان و اجعلنا من انصاره و اعوانه و الذابین عنه و المستشهدين بين يديه طائعين غير مكرهين في صف الّذى نعت اهلّه في كتابك كانهم بنیان مرصوص على طاعتك و طاعة رسولك و آله عليهم

خطبه اول: الحمد لله المتفرد بالكبريا و اشهد انه المتوحد بتدبير الارض و السماء و اشهد ان محمداً رحمة اللورا و اكمل الكملا و افضل السفرا و خاتم الانبيا و اشهد ان اميرالمومنين على ابن ابيطالب و اولاده المعصومين هم المحجة البيضاء و منقذ البشر من الضلالة و العمى. اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان صلوات الله عليه عن جميع المومنين و المومنات في مشارق الارض و مغاربها سهلها و جبلها و برّها و بحرها حبيهم و ميتهم و عنا و عن والدينا من الصلوات

مسئولیت مادر برابر همسایگان

واجبات نشان می‌دهد و مهم است که شما برادران و خواهران در اجرای این تقوای عملی به نقاط منهی‌عنه و حرام همزیستی با همسایگان توجه کنید.

وجود مقدس پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در یک حدیث فرمودند: سه چیز است که مستأصل‌کننده است و در پریشانی، زندگی انسان را به حد استیصال می‌رساند و یکی از این سه چیز «وجار عینه ترعاک و قلبه ینعاک»^۱؛ همسایه‌ای که در زندگی تو دقیق شده و همه‌ی زندگی تو را زیر و زبر می‌کند و به تمام جزئیات زندگی تو می‌نگرد و دقت می‌کند تا نقطه‌ی ضعفی از زندگی تو پیدا کند؛ «إن رأى حسنةً دفنها و لم يفسها و إن رأى سيئةً أظهرها وأذاعها»؛ اگر از تو کار خوبی ببیند،

کلام ما در خطبه‌ی اول درباره‌ی تقوای عملی در ارتباط با همسایگان بود، آن‌چه از مجموعه‌ی احادیث و آیات قرآن که هفته‌ی گذشته توضیح دادیم^۱، مسئولیت سنگین هر انسان در برابر همسایه است. نسبت به تمام جهات همزیستی با همسایه ما مسئولیت شرعی داریم؛ در ارتباط با این همزیستی، احکام حرام و احکام واجب وجود دارد و تنها مستحب و مکروه نیست؛ یعنی سلسله‌ای از مسائل بین ما و همسایگان در این ارتباط واقع شده که از نظر اسلام و شریعت حکم حرمت و برخی از مسائل حکم وجوب دارد؛ لذا مسأله‌ی ارتباط با همسایگان در جریان سبک زندگی اسلامی، مسأله‌ای مهم است که تقوای عملی در این موضوع، خودش را در ترک محرمات و انجام

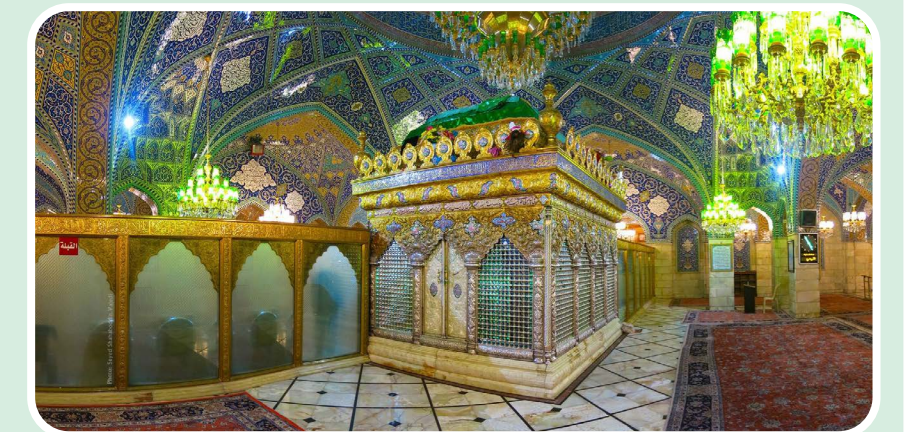


حضرت رقیه، فاطمه‌ی صغیره است



«برادران و خواهران! اگر یک کلمه‌ی نمی‌دانم باعث شود که به یک دختر بی‌گناه ضربه‌ای وارد شود، مظلومی کتک‌زدن یک دختر روی بدن پاره‌پاره‌ی بابا به کجا می‌رسد؟! امروز برحسب نقل‌ها روز شهادت حضرت رقیه (سلام الله علیها) است. در خطبه‌ی نماز جمعه روضه خواندن کار آسانی نیست، چون هر خطبه‌ی نماز جمعه جای یک رکعت نماز است و شما [هنگام استماع خطبه‌ها] در حال عبادت هستید؛ خطیب جمعه خیلی باید در روضه‌ای که می‌خواهد بخواند دقیق باشد. امروز سالروز شهادت حضرت رقیه است و شما هم روی فرش حرم امام رضا (علیه‌السلام) زانو زده‌اید و می‌خواهید یک فریضه‌ی الهی را مقابل چشم آقا انجام دهید، باید طوری نماز جمعه بخوانید که امام رضا (علیه‌السلام) برق اشک را بر مظلومیت حضرت رقیه (سلام‌الله‌علیها) در چشمان شما ببیند.

در مورد حضرت رقیه برخی گفته‌اند امام حسین (علیه‌السلام) دختری به نام رقیه نداشت. اصل قضیه این است که سیدالشهدا سه دختر و سه پسر داشته‌است که سه پسر را به نام علی نامگذاری کرده‌اند، و سه دختر هم به نام فاطمه نامگذاری کرده‌اند. دختر اول فاطمه‌ی کبری، حضرت سکینه (سلام الله علیها) است و دختر دوم فاطمه‌ی



صغری که در حال حرکت حضرت از مدینه بیمار بود و سیدالشهدا (علیه‌السلام) او را در مدینه نزد جناب ام‌البنین گذاشتند و با خود به کربلا نیاوردند و دختر سوم دختری به نام فاطمه‌ی صغیره بود، این دختر مربوط به یک خانمی بود^۱ که ابتدا در عقد نکاح^۲ امام مجتبی (علیه‌السلام) بود و از امام حسن بچه‌دار نشد و دختر رئیس قبیله‌ی بنی تمیم بود، وقتی امام مجتبی (علیه‌السلام) به شهادت رسیدند از جمله وصایای او به سیدالشهدا این بود که این خانم با کمال است و سعی کن از خانواده‌ی ما بیرون نرود و وصیت کردند خود سیدالشهدا با این خانم بعد از عده‌ی وفات ازدواج کنند و سیدالشهدا بنا به وصیت امام حسن (علیه‌السلام) با این خانم ازدواج کردند. این خانم از سیدالشهدا بچه‌دار شد و این دختر خانم به دنیا آمد، منتهی در نفاس این بچه، مادر دچار بیماری شد و در همان بیماری از دنیا رفت و این دختر در دامان سیدالشهدا قرار گرفت.

وجود مقدس سیدالشهدا به این دختر خیلی علاقه داشتند و دختر خانم شیرین زبانی بود، در جریان کربلا سه سال و برخی گفته‌اند چهار سال سن داشت، آن قدری این دختر در حرم علاقه‌ی زن‌ها را به خودش جذب کرده بود که خواهر سیدالشهدا (علیه‌السلام) و همسر جناب مسلم بن عقیل که

رقیه نام داشت و در این سفر همراه بود به این دختر علاقه‌مند شد و از سیدالشهدا خواست که برای این دختر لقب رقیه بگذارد و سیدالشهدا اجابت فرمودند و لقب رقیه به او دادند.^۳ از اینجا دختر امام حسین رقیه شد و تمام جریاناتی که در مورد دختر بچه‌ی سه یا چهار ساله‌ی امام حسین شنیده‌اید مربوط به همین دختر خانم است و گفتگوی با رگ‌های گردن بریده‌ی بابا در گودی قتلگاه متعلق به همین دختر خانم است.

(روضه‌خوانی)

خدایا! به مظلومیت اولیائت و مظلومیت این مظلومه‌ی قهرمان کربلا، نقطه‌ی عزت اسلام و مسلمین که فرج مولایمان بقیه‌الله است را تعجیل فرما.

پروردگارا! ارواح مطهره‌ی شهدا و روح مطهر امام بزرگوار را از اشک و عشق ما بهره‌مند گردان و سایه‌ی پر برکت مقام معظم رهبری بر سر ما مستدام دار.

خدایا! به مظلومیت دردانه‌ی سیدالشهدا این بلای خانمان‌سوز (کرونا) را از جامعه‌ی علاقه‌مند و ارادتمند به سیدالشهدا و سرزمین ولایی علی بن موسی الرضا برطرف گردان.

۱. نفس المهموم فی مصیبه سیدنا الحسین المظلوم و ولیه نفعه المصدور فیما یتجدد به حزن العاشور؛ شیخ عباس قمی؛ جلد ۱؛ صفحه ۴۷۶
۲. فید از دواج
۳. إعلام الوری بأعلام الهدی؛ شیخ طبرسی؛ جلد ۱؛ صفحه ۳۹۸ / موسوعة الامام الحسین (علیه السلام)؛ جمعی از نویسندگان؛ جلد ۱۷؛ صفحه ۲۱۸

خطبه دوم: عبادالله؛ اوصیکم و اوصی نفسی بتقوی الله همه‌ی شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.



«در نخستین ملاقاتی که مقام معظم رهبری با دولت سیزدهم داشتند، نکاتی را بیان فرمودند که در حقیقت راهبردهای کلیدی برای حرکت در این نظام و انقلاب است. اگر ما چند جلسه نماز جمعه را به توضیح این نکات اختصاص دهیم، بازهم از عهده‌ی تفسیر و توضیح آن بر نمی‌آییم.

مدیریت انقلابی، «مدیریت جهادی» است

یکی از نکاتی که هفته گذشته عرض کردم «بازسازی اعتماد عمومی» بود و نکته‌ی دیگری که ایشان به عنوان رسالت دولت مشخص فرمودند «بازسازی انقلابی ساختار فرهنگ کشور» بود و یکی از جنبه‌های مهم فرهنگ، فرهنگ مدیریت انقلابی است و باید مدیریت‌ها به‌صورت انقلابی در بیاید و خوشبختانه تا به امروز در این یکی دو ماه، این دولت مردمی انقلابی، در این جهت فعالیت بسیار زیادی داشته است. دولت در مقام پیاده کردن فرهنگ مدیریت انقلابی در جامعه فعالیت زیادی انجام داده است،

در مسأله‌ی فرهنگ و رسانه، به گمان بنده، ساختار فرهنگی کشور نیاز به یک بازسازی انقلابی دارد. ما در ساختار فرهنگی کشور مشکل داریم و یک حرکت انقلابی لازم است. البته «حرکت انقلابی» یعنی خردمندانه و عاقلانه. معنای «انقلابی بودن»، بی‌هوا حرکت کردن و بی‌حساب حرکت کردن نیست. [حرکت] انقلابی باید باشد، بنیانی باید حرکت بشود. در عین حال برخاسته‌ی از اندیشه و حکمت باشد. (مقام معظم رهبری؛ ۶ شهریورماه ۱۴۰۰)

مدیریت روزمره و معمول برای نظام و انقلاب جواب نمی‌دهد



«دو نوع مدیریت داریم، یک مدیریت آن است که آقای مدیر در رأس یک مجموعه قرار می‌گیرد و بر حسب امکانات موجود، ابزار، وسایل، سرمایه‌ها، موجودی و امکانات مدیریت، شروع می‌کند و این امکانات را مدیریت می‌کند و با نیروی انسانی زیرمجموعه‌ی خودش، کشور را اداره می‌کند. این مدیریت روزمره و معمول است اما انقلابی نیست و برای این نظام و انقلاب جواب نمی‌دهد.

بخشی از مشکلاتی که امروز با آن مواجه هستیم مربوط به مدیریت‌های گذشته است. این‌هایی که در گذشته مدیر بودند، افراد فاسد نبودند، مردمان مغرض و دشمن نبودند، اما می‌خواستند کشور را به‌طور طبیعی اداره کنند و با امکانات موجود و برنامه‌ی روزمره ساعت ۸ یا ۹ صبح تا ۱ و ۲ بعد از ظهر در یک وزارتخانه

باید مدیریت، به «مدیریت جهادی» تغییر کند، یعنی ساعت و زمان و شب و روز ندارد. امکانات موجود برای او ملاک نیست، مدیر باید با چنگ و دندان امکانات تولید کند و با امکانات تولیدشده، در عین عقلانیت و تجربه، مدیریت جدی و قطعی انجام دهد.

و مجموعه‌ای، کشور را اداره کنند که کشور این‌طور اداره نشد و این مشکلات برای مردم به وجود آمد. مقام معظم رهبری تحت عنوان «بازسازی انقلابی ساختار فرهنگ»، دستور دادند باید فرهنگ مدیریت عوض شود؛ یعنی

بایدها و نبایدهای مدیریت قوی و انقلابی مدیر قوی می‌خواهیم

رهبر انقلاب اسلامی در سخنرانی نوروزی در حرم مطهر رضوی، «قوی شدن کشور» را مستلزم داشتن «اقتصاد قوی»، به همراه «مدیریت قوی» می‌داند. ایشان در دیگر سخنرانی‌ها «مدیر قوی» را با عناوین «مدیر انقلابی»، «مدیر جهادی» و «مدیر کارآمد» نیز ذکر کرده‌اند. از این رو KHAMENEI.IR خصوصیات مدیر قوی را بر اساس بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای در این اطلاع‌نگاشت بررسی می‌کند.

۱ رابطه با خدا

- ایمان و تدبیر ✓
- تقوا و طهارت ✓
- توکل و اعتماد به خدا ✓
- عدل و عدالت طلبی ✓
- تلاش بانیب الهی ✓

۲ رابطه با مردم

- صداقت و راستگویی ✓
- سلامت و امانت‌داری ✓
- تعهد به مردم و نظام ✓
- مردمداری و دلسوزی ✓

۳ رابطه با خود

- تحرک و نشاط ✓
- مسئولیت‌پذیری ✓
- صبر و استقامت ✓
- اعتماد به نفس ✓
- انگیزه و علاقه به خدمت ✓

۴ کار و تلاش

- جذبت در کار ✓
- حرکت با برنامه ✓
- توجه به اولویت‌ها ✓
- عقل و علم و حکمت در کار ✓
- تشویق نیروهای با استعداد ✓
- آمادگی و استعداد انجام کار ✓
- پیگیری تا رسیدن به نتیجه ✓
- همت مجاهدانه و پشتکار ✓
- پایبندی به سیاست‌های نظام ✓
- سنجیدن جوانب عمل و گفتار ✓
- استفاده از ظرفیت کارشناسی ✓

مصدق عینی مدیریت جهادی



بودند و در و دیوارش نیز در حقیقت برای یک سالن سخنرانی یا حسینیه درست شده بود؛ اما به فاصله‌ی ۱۰ روز، کف سالن، کف بیمارستانی شد، در و دیوار بهداشتی شد، صد تخت جاگذاری شد و از همه مهم‌تر، لوله‌کشی اکسیژن در کنار هر تخت ایجاد شد که اکسیژن را با کپسول نرسانند و به منبعی وصل باشد که امکان قطعی آن اندک باشد.

گفتیم این تخت‌ها از کجا آمده‌است؟ گفتند خریدیم؛ تخت‌ها در انبارهای ضایعاتی دانشگاه علوم پزشکی مشهد بود که می‌خواستند به‌عنوان آهن‌پاره و به صورت کلیویی بفروشند؛ تخت‌ها را آوردند و به فاصله‌ی ۱۰ روز، بازسازی شد و به‌عنوان تخت بیمارستانی قابل استفاده

وقتی بشود طی ۱۰ روز زمین و دیوار را آماده کنند، لوله‌کشی اکسیژن کنند، ۱۰۰ تخت را از آهن‌پارگی دریاورند و مجهز کنند، یعنی در این کشور خیلی کارها می‌شود کرد. اکنون و با همت این بسیجی‌ها، اگر دوباره پیک بعدی کرونا آمد، ما یک بیمارستان مجهز صد تخت‌خوابی با نیروی انسانی آماده داریم.

دیروز شاهد صحنه‌ای بودم که در واقع یک الگوی کامل مدیریت جهادی انقلابی را به‌عنوان یک جریان فرهنگی به ما نشان می‌داد. دیروز به اتفاق فرماندهی محترم بسیج کشور، بیمارستانی را که عزیزان بسیجی ما در بسیج جامعه پزشکی ۱۰ روزه راه انداخته بودند، افتتاح کردیم. این بیمارستان، یک سالن سخنرانی بود، کف آن موکت بود، صندلی گذاشته

به کارگزاران مردمی در مدیریت جهادی کمک کنید

انقلابی این کارگزاران مردمی را کمک کنید. خدایا! به عزت اولیای این مجاهدات ارزشمند را از این عزیزان ارادتمند به اهل بیت پیغمبر، منظور نظر مولایمان بقیه الله قرار ده. خدایا! این حرکت‌های عظیم را منشأ زمینه‌سازی برای ظهور مولایمان بقیه الله واقع ساز و ظهور و فرج مولای ما را تعجیل فرما.

کشور مدیریت کنند، باید از کمک شما مردم و زن انقلابی برخوردار باشند. ما از کسانی که انقلاب را قبول ندارند، این توقع را نداریم که به کمک مدیریت جهادی بیایند؛ این‌ها باید مطالبات نامشروع داشته باشند اما از شما عزیزان که پای انقلاب ایستاده‌اید و ۴۲ سال مردانه، عزت این انقلاب را تثبیت کردید، انتظار می‌رود در این مدیریت جهادی و

مقام معظم رهبری به دولت سیزدهم امر فرمودند که این مدیریت انقلابی جهادی را به‌صورت فرهنگ در کشور دریاورد و ریل‌گذاری کند؛ به لطف خدا این دولت تاکنون در این امر موفق بوده و شما برادران و خواهران باید به این مدیریت جهادی کمک کنید. عزیزانی که با این توان، این انگیزه و این فرهنگ می‌خواهند بیایند و در این



مسجد سنکرسلامت



- * توزیع ماسک و مواد ضد عفونی کننده
- * فرهنگ سازی شیوه‌های مقابله با بیماری کرونا
- * کمک به کادر درمان با حضور مستمر در مراکز درمانی
- * سرکشی و تشکر از خانواده‌های کادر درمان
- * تسریع واکسیناسیون برای مقابله با کرونا



سایت مرکز رسیدگی به امور
مساجد استان‌های خراسان
masjedkh.ir



مرکز رسیدگی به امور مساجد
استان‌های خراسان



سایت آیت‌الله علم‌الهدی
alamohoda.com

مشهدالرضا(ع)؛ خیابان امام رضا(ع)؛ امام رضا ۹؛ مسجد رانندگان؛ ساختمان شماره ۲ مرکز رسیدگی به امور مساجد استان‌های خراسان